



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبات - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

شماره تلفن: ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۲۱

صفحه ۴۱۶۲

۴شنبه ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

میر: سید محمد شمشیری

دوره یازدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۸۸

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح بقیه مذاکرات صدوینجاه هفتمین
جلسه دوره یازدهم از صفحه ۱ تا ۹
۲ - آگهی های رسمی ۵ ۱۱

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس عصر روز شنبه بیست و هفت فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

۱ - دنباله استیضاح

۲ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

مجلس شش ساعت و ده دقیقه بعد از ظهر بعنوان بعد از تنفس بریاست آقای امیرحسین ایلخان (نایب رئیس)

تشکیل گردید

۱ - دنباله استیضاح

نایب رئیس - دنباله جلسه صبح آقای دکتر بقائی بفرمائید دنباله استیضاح خودتانرا بفرمائید ضمناً از ناطق محترم آقای دکتر بقائی خواهش میکنم که از تکرار مطالب یکتدری خودداری بفرمایند و در نظر بگیرند که اوقات مملکت هم خیلی گرانهاست و هر چه زودتر مطالب خودشانرا اظهار بفرمایند که زودتر تمام بشود.

دکتر بقائی - چشم در مطالب تکراری نخواهد شد ولی از تکرار القابی که به بنده نسبت داده اند چون خیلی مهم است نمیتوانم خودداری بکنم زیرا اسباب افتخار من است و چون خیلی مفخر هستم مجبورم دائماً تکرار کنم ولی راجع ببقیه اطاعت میکنم، (با تامل و تلخ آقا تادو بعد از نصف شب حاضر هستیم بنشینیم) ناسه بعد از نصف شب من یا شین چند ورق حاضر هستم بقیه باز بماند (مهندس هدایت - فرمودید سه ساعت) با کمال وجد و شغف بدرگاه

کشاورز صدر - چرانبست بیجامید ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نیرو دهیچکس خیال دیکتاتوری ندارد (همه نمایندگان) (زنک رئیس).

نایب رئیس - آقای کشاورز صدر ساکت باشید آقای دکتر بقائی خواهش میکنم مطالبی که هست بفرمائید.

دکتر بقائی - جناب آقای رئیس مجلس عرض کردم هر عرضی که من میکنم دلیلش را بخواهید و اعتراض نکنید بگوئید ثابت کنم اگر ثابت نکردم هر مجازاتی که قائل بشوید تن در میدهم بگوئید ثابت کن نگویید بیش بینی نکن من در اینجا مدرک دارم بیخود وسط حرف من ننویید میدانید که بکجا میخواهد برسد آن ارباب حس کرده است چه مدارکی من در دست خود دارم و برای این است که نمیخواهند بگذارند من حرف بزنم ولی تاجان دارم حرف خواهم زد و فقط مرگ مانع از حرف زدن من خواهد شد آقای صدر کشاورز از جنجالها من از میدان در نمیروم و عصبانی نمیشوم بعنوان ماده ۱۰۹ هم جناب عالی صحبت بفرمائید.

نایب رئیس - ولی تصدیق بفرمائید که شما نهایت آزادی را برای صحبت کردن دارید.

دکتر بقائی - این آزادی را الان تحلیل میکنم الان تحلیل میکنم (زنک رئیس) (با توجه بلژ تاشاچیان) خواهران من که اینجا نشسته اند بروید بی اجازه آمده اند میخواهم اینجا باشید مانع از انجام وظیفه ملی من میشوید خیلی

بعین بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه هفتمین جلسه از یازدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

ازها متشکر ولی بلند شوید بروید ، از قرار معلوم تا روزیکشنبه گذشته کورسافرار طرح استیضاح داده شده بود دستگاه تیسار معظم سپهبد رزم آراه ویکتاتور آینه (زنک منته رئیس)

نایب رئیس - من اجازه نمیدم شما این حرف را بزنید (صحیح است) من از طرف مجلس این حرف را میزنم (صحیح است) شما نباید این حرف را بزنید توجه بفرمائید امروز صبح تا نطقتانرا میفرمودید در نهایت آزادی همه هم گوش دادند هیچکس هم بیرون نرفت و تیکه نخواهد که مطالب زنده ای که بضرر مملکت تمام میشود بگوئید من اجازه نمیدم

دکتر بقائی - کجای حرف من زنده بود بگوئید آقا اگر ثابت نکردم مرا محکوم باعدم بکنید و اگر نمیخواهید بگویم مرا همینجا با تیر بزنید راه دیگری ندارد یا بگوئید ثابت کن و اگر ثابت نکردم مرا محکوم باعدم کنید اگر ثابت کردم ترتیب اثر بدهید ولی نمیتوانید جلو گیری بکنید از اینکه من حقایق را نکوم میدانم که این حقایق تلخ است الحق مر حقیقت تلخ است نمی توانید بشنویسولی میدانم میدانم که همه در قلب خودتان ولو اینکه بازبان خلافت را بگوئید میدانم که در قلب خودتان تصدیق میکنید یقین دارم که تصدیق میکنید در هر صورت تمام روز راه تدبیر برای مبارزه بامن را اتعاض نکرده بود ضمیرش را قلا گفتم ، زیرا درست نیدانستند که هدف اصلی من چه میباشد و همین جهت یکی از وزیران محترم و پیرمرد و بسیار شریف این کابینه در آن روز یکشنبه بیرون این درب ایستاده بود و مانع ورود نمایندگان بتالار جلسه و حصول اکثریت بود من میخواهم بگویم که این شخص محترم و این پیرمرد شریف دل قاپچی و دربان را ایفا میکرد ، زیرا اگر بگویم توهین بزرگ محسوب خواهد شد و هفت جلسه از حق صحبت کردن محروم خواهم شد

جمال امامی (وزیر مشاور) - کی بود آقای دکتر ؟

دکتر بقائی - معذرت میخواهم که اسم نمبرم چون مدرک ندارم اگر مدرک داشتم اسم میبردم ولی چون مدرک ندارم نیگویم گویا از روز دوشنبه یعنی فردای آن روز دستور صریح برای طرح و اتمام استیضاح صادر گردید ، زیرا احساس کردند برای انجام تشریفات قانونی و حفظ ظاهر دنیا بسند بی قانونیها و جنایات خود هنوز به همین دستگاه نیم جان احتیاج دارند و البته باید استیضاح در محیط آزاد و ساکت انجام بگیرد پس از جلسات و گفتارها و ماجراها که میدانید و میدانم ، چون برایشان مکشوف و معلوم شد که بحکم صداقت و صمیمیت گفتار من احساسات ملت را بر میانگیزاند و رابطه قلبی و معنوی بین من و ملت حاصل شده است و این چنین گفتار صادقانه و حقیقت جوئی اسلحه سهمناکی علیه بیترتف مقاصد شوم و خائنانه دیکتاتور میباشد ، اراده او بر این قرار گرفت که در امر استیضاح تمجیل شود و روش خسته کردن حریف را در پیش گیرند و این است مشیت و اراده الهی ، همین است که بمن فرصت میدهد بدون وقفه ندای عدالت و آزادی را بلند تر و آهنگین تر بگویم (زنک رئیس)

نایب رئیس - مجلس تحت تاثیر هیچکس واقع نمیشود ، مبنیطور که آقا چهار جلسه است هر چه خواستید گفتید و همه گوش دادند و میل هم دارند که بیشتر بفرمائید بشرط اینکه توهین بمجلس نکنید و توهین باشخاص نکنید و یک مطالبی نکوئید که مانند چند جلسه اخیر بضرر مملکت است

دکتر بقائی - پس بشکرانه باری تعالی و بشیبت و اراده توانای او خواهم توانست تا پای جان با جرات و شهامت و شرافت باستم و پرده از روی حقایق برگیرم در آغاز استیضاح وجود و جان من چون ذره ای ناچیز و قطره ای بیمقدار در مقابل دریای بیکران ملت با عظمت ایران مینمود ولی اکنون بیادش فدا کاری و خود گذشتگی و صفای قلب احساس میکنم که این ذره ناچیز چند زوز است مبدل بآتشفشانی عظیم و سهمگین گردیده که چون رعد میفرود چون برق شراره میافتد با جرات و عظمت خود از هیچ نپهراسد و داستان شور انگیز حقایق را شعله وار در معرض جهانیان قرار میدهد و لهیب آن دامنگیر خائنین بکشور و دشمنان مقام سلطنت محبوب ایران میگردد اکنون این ذره حقیر و این الاغ احق بیشرف چهارپائی بر او کتابی چند شعور و وجدان کامل بوظیفه ملی و سیاسی خود و حتی بمأموریت الهی و عرفانی خود دارد اکنون در دل این آتشفشان ضربان قلبهای افسرده میلیونها مردم گرسنه و عریان و ستمکشیده ایران منعکس میشود و شراره دهان او در دلهان نشسته و شعله های احساسات پاک قاطبه ملت نجیب ایران را بر افروخته است اکنون در مقابل شما مثل کوهی بای برجا ایستاده است و بخود فخر و مباهات میکند که وجدان و حیات و موجودیت و احساسات و عواطف ملت ایران را در مقابل شما مجسم کرده است اکنون بادیده روشن بین ملت ایران از فراز بندنی بطرف پائین نگران است و برای العین می بیند که چا کران و وزیر خواران در گام دیکتاتور مانند کرمهای خزنده در گل ولای فرورفته و از ریشه متعفن درخت عرعر تذبذب میکنند همچنانکه در لحظه اول مبارزه حس میکردم اکنون بیش از پیش اطمینان قلبی دارم که خدنگ من بششانه اصابت کرده است و دیر بازود این دستگاه عاریتی درهم خواهد شکست و این کاخ فجاجع فرو خواهد ریخت و شاهنشاه محبوب را از چنگال بیرحمانه خیانتکاران و جنایت پیشگانی که او را احاطه کرده اند نجات خواهد بخشید

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی خواهش میکنم از کتفرا نس داخل استیضاح بشوید

دکتر بقائی - خواهش میکنم هر جا که مخالف مقررات استیضاح است اخطار بفرمائید ولی در وسط استیضاح نمیشود هر جا که خواستید فوری و شطش را قطع بفرمائید

نایب رئیس - توجه بفرمائید بنده کاملاً میل دارم که آقاییان تا شانرا بفرمایند ولی در یک استیضاح خود آقا که یک مرد قانونی هستید باید مطالبی را که دارید آن مطالب را بعنوان هر وزیر یا هر نخست وزیر بعنوان اعتراض بفرمائید والا ممکن است که شما کتاب گلستان سعدی را از اول تا آخر بعنوان استیضاح قرائت بفرمائید این استیضاح نیست داخل استیضاح بشوید و کارهایی که خلاف قاعده شده است بفرمائید

دکتر بقائی - عرض کنم حضورتان بنده باید يك حکایت کوچک عرض کنم

فولادوند - بنده اخطار نظامنامه ای دارم

نایب رئیس - مطابق چه ماده ای ؟

فولادوند - مطابق فقره چهارم ماده ۱۲۹

نایب رئیس - بفرمائید

فولادوند - نماینده ای که نسبت بمجلس و یا قسمتی از مجلس یا برئیس هتک شرف نماید ، ایشان در اظهاراتشان اکثریت نمایندگان را نو کور زرم آراه و دیکتاتور خوانند و اظهار داشتند که با آنها دستور دادند که آرزو نیامدند بمجلس و بعد دستور دادند آمدند بمجلس بقیه بنده این مطابق است با فقره چهارم ماده ۱۲۹ که نوشته است نماینده ای که نسبت بمجلس یا قسمتی از مجلس یا برئیس هتک شرف نماید مجازاتش هم معلوم است

دکتر بقائی - آقا اجازه بفرمائید جواب عرض کنم

مکی - الان اگر نفر بروند بیرون مجلس از اکثریت میافتد

فولادوند - بنده از دفعه اول همه شاهدند که آمده ام اینجا نشسته ام و گوش میدهم

دکتر بقائی - گفت شیخا خوب ورد آورده ای لیک سوراخ دعا گم کرده ای (خنده نمایندگان) خنده ندارد عرض کنم که من انتظار این اعتراض را داشتم چون من حقیقت را میگویم هیچوقت دروغ نیگویم و عادت بدروغ ندارم حس سکرده بودم که این اعتراض میشود و انتظارش را داشتم اولاً آقایان همه شاهد هستند که من چنین نسبتی را با اکثریت و کلاه ندارم و هرگز نمیدم و میدانم اینطور نیست این نسبت را بچند نفری دادم و تصدیق میکنم و منتظر این اعتراض هم بودم آنان جناب آقای فولادوند نماینده محترم ثابت میکنند که تناقض عجیبی در فرمایشات شماست ، تناقضات عجیبی کنده اند اسباب مسئولیت برای شما نشود آنان تشریف ببرید پائین نو کر من آنجا هست با بگوئید نو کر دکتر بقائی میگوید من افتخار میکنم من نو کر دولت هستم افتخار میکنم ولی ببینید قضیه از چه قرار است که وقتی صحبت نو کوری يك شخصی بخصوص میشود این توهین تلقی میشود بروید بنو کر من بگوئید تو نو کر دکتر بقائی هستی او جواب میدهد من افتخار میکنم این جواب را من قبلاً تهیه کرده بودم تا حاضر جوابی من نوشته شود ببینید که چقدر بهش توهین است تو نو کر فلان شخص هستی در صورتیکه ملت ایران میدانند که هستی و من هم میتوانم ثابت کنم که هستی (زنک منته رئیس)

نایب رئیس - شما نباید بهمکاران و نمایندگان محترم هر کسی باشد این حرف را بزنید و این توهین را بکنید همینطور که شما نماینده هستید دیگران هم نماینده هستند همینطور که شما احترام خودتان را میخواهید دیگران هم میخواهند پس خواهش میکنم داخل استیضاحتان بشوید و بیش از این دنبال این مطالب نروید

دکتر بقائی - جناب آقای رئیس در این مجلس بن مردمیکه گفتند میشرف گفتند احق گفتند دیوانه گفتند چهارپائی بر او کتابی چند گفتند یک کلمه

از این اعتراضات را نفرمودید

نایب رئیس - اعتراض کردم ، اخطار کردم

دکتر بقائی - میخواهم بدانم که يك نماینده ای که استاد دانشگاه است پسر میرزا شهاب کرمانی است میگویند میشرف احق این توهین نیست ولی اگر این نماینده حقیقتی را گفت این توهین است این همان شراره ایست که از این آتش نشان بیرون میآید و شمارا مسوزاند برای اینست که آقای فولادوند بجز وولز میافتند و بعد بزرگترین توهینها در این مجلس از طرف جناب آقای دهقان نماینده محترم خلخال جناب آقای ابوالفضل حاذقی نماینده محترم جهرم جناب آقای عباسی نماینده محترم بن شده ، هیچکس اعتراضی نکرد

نایب رئیس - اعتراض شد

دکتر بقائی - نشد آقا

نایب رئیس - من اعتراض کردم شخصاً هم بعاذقی وهم بدیگران

دکتر بقائی - من اینجا بودم و نشد بنده شد برای بیان يك حقیقتی متنها خیلی تفاوت داشت

فولادوند - آقای دکتر بقائی بنده که بشما توهین نکردم بنده عرض کردم که جنابعالی اشخاص را بطور عموم نفرمائید اسم ببرید

دکتر بقائی - من آرزو ام بردم آقا ، عرض میکنم که از دو حال خارج نیست یا اینکه بدون اینکه بودی توی حرف من میگنارید استیضاح را بگویم یا اینکه دنبال این بهانه ها میگردید و مرا مانع از حرف زدن میشوید در هر دو حال نتیجه یکی است اگر من خفه شوم ملت و دنیا خواهند فهمید چرا خفه شدم یعنی با سکوت من پرده خیانت بالا خواهد رفت و اگر هم حرفهایم را بزنم باز هم پرده بالا خواهد رفت

نایب رئیس - حرفهایتانرا بفرمائید

دکتر بقائی - ولی راه جلو گیری از بیان حقایق من اینها نیست این حربه ها در این آتش نشان کارگر نیست شنیدم که روز در میان يك شخص بسیار محترم و شریفی که بسملکت خودش خدمت میکند از تیسار سپهبد رزم آراه ملاقات میکند بگوئید از آن شخص شریف و محترم دستور بگیرند که چگونه جلوی این حرفهایم را بگیرند والا با این حربه های زنک زده و با اینکه رادبو میخواهد وانمود کند که من توده ای هستم اینها کارگر نیست جناب آقای ساعد این حربه ها هزاران سال است که زنک زده شده این حربه ایست که در زمان مأمون عباسی در دوره محنت بکار بسته اند این حربه ایست که در اسیانی در دوره انگلیزیسیون بکار میرفت این حربه ها که در این دیکتاتورهای گذشته آتقدر کار کرده حالا کارگر نیست پس باید بگوئید از آن شخص وطن پرست ، آن شخص خیلی شریف است و خیلی هم وطن خودش را دوست میدارد و از او چاره جوئی بکنید این حربه ها کارگر نیست که تا من يك حقیقتی را بگویم بگویند توهین کردی در حالی که در همین مجلس بن دکتر بقائی سکرسانی پسر میرزا شهاب کرمانی میگویند احق ، میشرف ، الاغ ، دیوانه زنجیری اینها توهین نیست ، من هم افتخار میکنم که از چنین دهانهای محترمی این القاب بمن داده شده است و

خانواده من اعقاب من تمام دوستان من باین القابی که این نمایندگان محترم بمن مرحمت فرموده اند افتخار میکنند ، افتخار میکنند حالا برویم سر موضوع امروز که پیش در آمدی راجع بمجلس مؤسسان است ولی فقط يك پرائز هم بزمیکنم و آن اینست که رادبو باز هم يك حرفهایم زده است ظهیری ولی راجع بخواهشی که من کرده بودم چیزی نگفته است و يك موضوع دیگری را هم شنیدم جناب آقای مسعودی که میفرمودید هیچ فشاری بمطبوعات وارد نمیشود شنیدم که روزنامه کیهان هم میدانید سعی میکرد تقریباً تمام نطق مرا بنویسد و افتخار میکنم و بهترین یاداش خود این را میدانم که گفتند شماره های آن تادانه ای ۱۰ ریال و ۱۲ ریال خرید و فروش شده بود و شنیدم که چون اطلاعات همه را ننوشت در فروشش نقصانی حاصل شده بود شنیدم روزنامه کیهان دستور داده اند که سانسور شود بعد از این (عباس مسعودی) ما ناچار هستیم که از فردا نطق شما را چاپ نکنیم سوء استفاده میکنند (محمد علی مسعودی) - تمام نطق ایشان در روزنامه اطلاعات نوشته شده و من تعجب میکنم از ایشان که در بیرون جلسه بمن گفتند که من تشکر میکنم ولی نمیشود ایشان اگر دو ساعت نطق کنند میشود دوازده صفحه روزنامه اطلاعات ولی يك موضوعی که اساسی بوده و ایشان بیان کرده اند در روزنامه اطلاعات نیفتاده است و الا ایشان بفرمایند کدام قسمت نطقشان افتاده و چپ نشده است (زنک رئیس) من مقصودم حمله باطلاعات نبود (امیر تیمور - مطالب را بفرمائید) برویم بمطالب ...

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی اجازه بفرمائید بنده متن استیضاح آقارا بخوانم

دکتر بقائی - بنده از حفظ دارم

نایب رئیس - نه بنده باید بخوانم مجلس مطلع شود شما از حفظ دارید بسیار خوب ، اینجانب دکتر مظفر بقائی نماینده کرمان دولت جناب آقای ساعد را در موارد ذیل استیضاح میکنم :

اول - بعضی تصمیمات بیرویه هیئت دولت ، دوم - مداخلات غیر قانونی مقامات نظامی در امور کشوری ، سوم - سوء جریانات دادگستری ، پس علیهذا آقا سه موضوع داشتید که هیئت وزراء و دولت آقای ساعد را استیضاح کرده ایدو استدعا میکنم مطابق همین سه مطلب استیضاح خود تانرا ادامه بدهید

دکتر بقائی - سمعاً و طاعة ، یکی از تصمیمات بیرویه دولت جناب آقای ساعد تصمیم راجع بمجلس مؤسسان بود برای اینکه مطلب قنری روشن شود اجازه میخواهم چند کلمه از گذشته صحبت کنم و برای اینکه دوستان عزیزم باشتابه نیتند و خیال نکنند که حرفهای خودم را دارم میزنم و هیامون نکنند و مثل جلسه اول خدای نکرده دوری حاصل شود قبلاً عرض کنم که آنچه که میخوانم نقل از روزنامه هائیت است که در همین کشور چاپ شده و استساب خارجی هم ندارد ، يك سر مقاله ای است از روز نامه اطلاعات شماره ۱۷۷۹ مورخ شنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۲۷ عنوانش این است میشکونی مغیر سیاسی در تحت عنوان جریان روز نوشته اند میشکونی مغیر سیاسی حاله هاش را میخوانم بر بروز در ضمن

خبرهایی که از خارجه رسیده بود خبری از رادبولتن (تشریف داشته باشید آقای دهقان) دیروز یعنی میشود ۱۲ آبان-۱۲ آبان ۱۳۲۷ یاد داشت کنید دیروز وزیر امور خارجه ایران معذرت میخواهم بطور غیر رسمی وارد لندن شد و قرار بود امروز بعد از ظهر بامستربین وزیر امور خارجه انگلیس ملاقات کند مغیر سیاسی ما میگوئید این مغیر ما ضمیرش بر میگردد برادبو لندن نه روزنامه اطلاعات مغیر سیاسی ما میگوئید انتظار میرود که وزیر امور خارجه ایران چند موضوع را بااستر بوین مورد بحث قرار دهد که از جمله آنها از جمله آنها تجدید نظر در قانون اساسی " و مسائل مربوط بطرح هفت ساله اقتصادی ایران است که از جمله آنها تجدید نظر در قانون اساسی یادتان است این توی روزنامه نیست اینرا اضافه کردم ، یعنی روزنامه اطلاعات در طبع این قسمت از خبر « تجدید نظر در قانون اساسی » خود داری سکریدم تا در پیرامون آن تحقیقاتی بنمایشم زیرا هرگز نمیتوان قبول کرد که ممکن است وزیر خارجه ایران در باب تجدید نظر در قانون اساسی ایران با وزیر خارجه انگلستان صحبت کند نمیتوان قبول کرد (صحیح است) زیرا مسائل داخلی ایران چه ارتباط دارد که با وزیر خارجه انگلستان در لندن مذاکره کند (صحیح است) (مسعودی - صحیح است) من هم همین را میگویم که صحیح است ولی ثابت میکنم که اینطور میشود و مداخله کردند حالا روشن میشود برایتان خبری که مغیر سیاسی رادبولتن پیش بینی آنرا کرده بود پیش بینی آنرا کرده بود و در برنامه فارسی گفته است انتظار میرود که وزیر خارجه ایران فلان يك خبر مغلظه آميز غیر منطقی بنظر میرسد زیرا خورش هیچ اساس و موضوعی نداشته مغیر سیاسی رادبو لندن آنرا باین کیفیت قبل از اینکه ملاقاتی بین دول خارجه حاصل شود در اخبار خود گذاشته است قبل از اینکه ملاقاتی در بین دو وزیر خارجه حاصل شود پس اصل فرمان پیش تر از آبان است آنهم اگر اصرار نمیکردید تاریخش را نیکفتم اصرار کردید میگویم امروز در ضمن تحقیقاتی که از منابع رسمی و غیر رسمی داخلی و خارجی شد و حتی با خبر گزارهای خارجی تماس حاصل کردید معلوم شد چنین موضوعی ابدأ سر و ته ندارد و دروغ محض است دروغ محض در هر حال اشتباه خبرنگار یا سوء نظر یا پیش بینی بی منطق و اساس مغیر سیاسی رادبولتن هر چه بوده خبر مزبور مورد تفرو اعتراض شدید ما میباشد و من در اینجا پرائز میزنم بجناب آقای مسعودی هصداد میشود و میگویم که تنها خبر مورد تفرو و انزجار شدید ما بوده است عمل آنهم مورد تفرو و انزجار شدید ما است (مسعودی - هست) (حاشی زاده - صحیح است) و هرگز اجازه نمیدهم چنین تبلیغات شومی چنین تبلیغات شومی در پیرامون مقدس ترین مقدس ترین مسائل ملی ایران هرگز اجازه نمیدهم چنین تبلیغات شومی در پیرامون مقدس ترین مسائل ملی ایران بشود و من اضافه میکنم که اجازه نمیدم ملت ایران اجازه نمیدهم که این تبلیغات بنصه عمل برسد (مکی - صحیح است) (حاشی زاده - صحیح است) (آشتیانی زاده - حالا که رسیده) در آخرین ساعت امروز اداره کل انتشارات و تبلیغات یعنی این همان دستگامی که من دکتر بقائی نو کر ایران را میخواهد بجای دیگری بزند

و همان دستگاهی که جرات نمیکند و کسانی که باین دستگاه امر بمهند جرات نمی کنند که يك كلمه از بیانات مراد بون تصریف انتشار بمهند همان دستگاهی که حتی جرات نمیکند جرات نمیکند تقاضای خود من القابی را که بمن اعطا کرده اند ذکر کند همین دستگاه یعنی اداره کل انتشارات و تبلیغات خبر واصله از لندن را رسماً رسماً بشرح زیر تکذیب میکنند تکذیب غیر رادیو لندن تکذیب این را در دست بنویسد تکذیب خبر رادیو لندن ضمن اخبار رادیو لندن خبری باین مضمون منتشر شده که انتظار می رود وزیر امور خارجه ایران چند موضوع را با مستر بونین وزیر امور خارجه انگلستان مورد بحث قرار بدهد که از جمله آنها تجدید نظر در قانون اساسی است اداره کل انتشارات و تبلیغات عدم صحت این خبر را اعلام مینماید یعنی پراگتت مال خود است یعنی يك دروغ بدروغهای گذشته و آینده خود اضافه میکنند و مانابت خواهیم کرد این مال روزنامه اطلاعات است و حالا این را هم که میخوانم باز مال مجله هفتگی صبا شماره ۱۵ مورخه چهارشنبه ۱۹ آبان این همه مانوقت چاپ شد من چاپ شده اینها دارم از گوشه و کنار خبر رادیو لندن که آقای وزیر امور خارجه ایران در لندن با وزیر امور خارجه انگلستان در باره تغییر قانون اساسی ما و برنامه هفت ساله گفتگو کرده است از آن خبرهایی بود اربود رادیو لندن مثل رادیو های خودمان نیست که بند و بار نداشته باشد و خبری را تا در بوته امتحان نگذارد بوسیله امواج برق بدست اثر نمی سارند بنا بر این این اثر با ثبات سه نقطه است و در آن مجله نبوده است این را عرض کردم که نگویند جعل اکاذیب کرده ای و دیگر خودتان میدانم اینها را مخصوصاً توضیح میدهم برای جواب این استیضاح باید جواب بیاورید و اگر نمیتوانید جواب بیاورید تشریف بفرمایند بنا بر این همه حق دارند قضیه را تفسیر کنند که منظور لندن از پخش خبر آنهم در این مواقع که رقیب در کین رقیب در کین و حریف نگران است چه بوده زیرا در اینکه اصل خبر دروغ است (این اظهار نظر صبا است) زیرا در اینکه اصل خبر دروغ است تردید نیست وزیر امور خارجه ما صلاحیت ندارد (این اظهار نظر صبا است) وزیر امور خارجه ما صلاحیت ندارد در این مسائل مذاکره کند اما روشن شدن این نکته منظور لندن را از پخش خبر تفسیر نمیکند اما روشن شدن این نکته کدام نکته ؟ خبر صحیح نیست و ما اینچنین میگویم منظور لندن که از پخش خبر تفسیر نمیکند مگر اینکه بگوئیم نمیتوان روی پوست خربزه زمین خورد و تصدیق رادیو لندن دستخوش نخستین و انشاء الله آخرین خط خود شده اند و تغییر مسائل اساسی یا چیزهای نظیر آنرا قانون اساسی ترجمه کرده اند در صورتی که این را میدانید که وارد نیست چون مترجمیشان هم فارسیشان خوب است هم انگلیسیشان با نقل از نامه هفتگی صبا شماره ۱۵ مورخه ۱۹ آبان ۱۳۲۷ آقای دهقان کجا رفتند بفرمائید چون میخوانم از مجله ایشان يك خبری نقل میکنم باشند که کیف کنند چون اگر از مجله آدم يك چیزی در مجلس نقل کنند آدم لغت میورد خواستم این لغت برای ایشان باشد در زیر

زده بین روزنامه طهران مصور دیدید که يك خبرهایی در زیر ذره بین دارد عنوانش این است رادیو لندن خبر خود را تکذیب نمیکرد اداره کل انتشارات و تبلیغات تکذیب کرد ولی رادیو لندن خبر خود را تکذیب نکرد اداره کل انتشارات و تبلیغات تکذیب نکرد ولی رادیو لندن خبر خود را تکذیب نکرد معلوم میشود که بعضی اوقات مالندنی تر از لندنها می شویم ما تکذیب میکنیم اخبار را آنها خودشان تکذیب نمیکند رادیو لندن خبر خود را تکذیب نکرد خبری که رادیو لندن درباره مذاکرات جناب آقای نوری اسفندیاری وزیر امور خارجه کابینه سابق بایونین (این آقای ش در اصلش افتاده عین خبر را میخوانم) بایونین وزیر امور خارجه انگلستان منتشر کرد باعث ایجاد سوء تفاهم فراوان در محافل دولتی و سیاسی گردید رادیو لندن از قول خبر نگار خود گفته بود که نوری اسفندیاری خیلی معذرت میخوانم این توی مجله نوشته است چون اگر من اضافه بکنم میگویند تعریف کرده ای (نمایندگان بفرمائید) که نوری اسفندیاری درباره تجدید نظر در قانون اساسی بایونین صحبت میکند محافل دولتی ایران رادیو لندن را از کان رسمی دولت انگلستان میداند و میدانند و معتقدند که آنچه از این رادیو شنیده شود نظریه رسمی دولت انگلستان است و بهمین جهت جناب آقای ساعد ، بهمین جهت انتشار این خبر در طهران چنین تلقی شد که نوری اسفندیاری بایونین مذاکره درباره تجدید نظر در قانون اساسی ایران کرده مذاکره در باره تجدید نظر در قانون اساسی ایران کرده و اگر هم کرده توجه کنید همه تان آقا این نکته خیلی حساس است آقای گنجهای توجه بفرمائید میگوید چون رادیو لندن را محافل دولتی ایران معتقدند که این زبان رسمی انگلستان است حتماً آقای نوری اسفندیاری مذاکره میکند راجع به تجدید نظر و اگر هم نکرده دولت انگلستان مایل است تجدید نظر در قانون اساسی ایران بعمل بیاید و اگر هم نکرده دولت انگلستان مایل است تجدید نظر در قانون اساسی ایران بعمل بیاورد (عباس مسعودی - تفسیر روزنامه که سندیت ندارد) نه این روزنامه چاپ شده من نمیخوانم من که تفسیر نمیکم برای یادآوری و روشن شدن ذهن آقایان چون دولت تعقیب نکرد این خبر فقط در سروس فارسی رادیو لندن گفته شده بود این خود بیشتر باعث تشوش محافل طهران گردید و از طرف دولت در باره این خبر از نوری اسفندیاری بازخواست بعمل آمد او این خبر را تکذیب کرد و مطبوعات طهران هم که یکیش روزنامه شریفه اطلاعات است و مطبوعات طهران هم این خبر را چند روز بعد از قبول رادیو لندن تکذیب کردند در حالی که رادیو لندن خبر خود را تکذیب نکرده بود (معذرت کنی از معذرت شغلی بالاتر است) این خبر در طهران گفته میشود که یکی از علل آن جناب آقای ساعد این موضوع حساس است گوش بدهید در طهران گفته میشود که یکی از علل اینکه آقای نوری اسفندیاری را در کابینه جدید یعنی کابینه جناب آقای ساعد وارد نکردند همین خبر رادیو لندن بوده است در وزارت خارجه (آقای وزیر خارجه کجا تشریف دارند) در وزارت

خارج اظهار شده است و من خود شنیدم از یکی از اعضاء آنجا که نوری اسفندیاری بدون کسب اجازه از دولت وقت از فرانسه خارج شده و بانگلستان و چند کشور دیگر اروپا رفته است حالا جمله ای است راجع به استیضاح و آن اینست که نتیجه تحقیقات چه شد آقا راست بود آقا اجازه داشت جناب آقای نوری اسفندیاری برود بانگلستان آیا اجازه داشت صحبت بکند و نتیجه آن صحبتها چه بود البته هر وقت که مذاکرات راجع به نفت رابیاورید در اینجا بگوئید این را هم میگویند چون من امید ندارم که هیچکدامش اینجا گفته بشود این غیر از آن رازهایی است که باز کردم بقیه اش نقل از طهران مصور شماره ۲۷۸ مورخه ۲۸ آبان ۱۳۲۷ حالا يك نکته دیگر از مکاتوب آقای خارجه نوری است همه میده اید دیگر اینکه تحولی را که همه مدعی بود منتظرش بودند بصورت امیدبخشی ظاهر گردید یعنی مطالبی را که فعلاً سالها در خفا میگفتند عاقبت علنی شد معلوم شد که اساس کار ما که عبارت از قانون اساسی باشد ناقص است پس باید اصلاح شود مریدان مرشد (این يك مرشد خیالی دارد که از قول او صحبت هایش را میاورد) ما مریدان مرشد البته بعضی صدور فرمان مجلس مؤسسان دورله آقا جمع شدیم و مثل بچه های عجول او را سؤال پیچ کردیم مرشد ما یعنی همان لله آقا گفت مطالب مورد بحث شما عبارتند از اول تشکیل مجلس سنا که حالا کاریش نداریم ثانیاً میگویند در صدر مشروطه نکته مهمی از قلم مشروطه سازان افتاده یعنی هیچ راهی برای اصلاح یا تغییر قانون اساسی پیش بینی ننموده اند این راست است این قول مرشد آقای خارجه نوری و بایه منطقاً راهی را پیش بینی تعیین کرد ولی نکته ای که بخصوص برای ایران نکته ای که بخصوص برای ایران مهم و حیاتی است اینست که تشریفات آن باید بقدری مشکل گردد که بمنزله يك انقلابی شمرده شود و در واقع جز در مواقع مخصوص تملیق با مر محال بشود خوشبختانه ...

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی اکثریت نیست تصدیق هم بفرمائید (مطلب طهران مصور و مجله صبا سندیتی برای دولت ندارد)

دکتر بقائی - (البته ندارد نوشته شده و دولت اعتراض نکرده است در موقع دولت آقای ساعد هم بوده است) (اکثریت حاصل شد) و الا این نکته را خوب توجه بفرمائید که این مرشد آقای خارجه نوری هم خوب آنالیز کرده که من خطب کردم والا اگر اصلاح قانون اساسی آسان بشود دول قوی پنجه در سر هر بیچی میتوانند يك ملت بی سلاحی مثل ما را در فشار گذاشته و پادشاه وطن دوست ما را علی رغم صلاح خود و ملتش وادار به تغییرات مضری در قانون اساسی نمایند این نکته را یادتان نرود یادتان نرود آقایانی که میروید در مجلس مؤسسان یادتان نرود این خطر آنهاییکه کلیدی گذاشتند برای قانون اساسی می فهمند در چه وضعیتی دارم می فهمند ولی افسوس که آنها نیستند و آنهایی که هستند و قدرش در دست دارند نمی فهمند آنوقت آقای خارجه نوری اضافه میکنند پراگتت کوچک مانده گمان میکنم

برای اهل اطلاع همین يك اشاره کافی باشد در خانه اگر کس است يك حرف بس است این نقل از مکتوب ۶۲ آقای خارجه نوری است که در مجله خواندنیها شماره ۴۱ و شماره ۴۶۴ درج شده است حالا اینها را که خواندم برایتان حالا دو خبر کوچولوی دیگر مانده است که بعد وارد اصل مطلب بشویم دو خبر چند سطر یکی روز پنجشنبه هشتم اسفند ماه همین اسفند گذشته که آقایان نمایندگان شرفیاب بحضور اعلیحضرت شده بودند اعلیحضرت مفرمانند من مصمم شده ام و باین آقایان که از عناصر صدر مشروطه میباشد مشاوره نموده ام که تشکیل مجلس مؤسسان بدهم و نواقصی که در قانون اساسی است بوسیله مجلس مؤسسان رفع نمایم این يك خبرش يك خبر کوچولوی دیگرش اقتباس از مذاکرات مجلس است آنرا هم میخوانم .

(رئیس - آقای آشتیانی زاده بفرمائید)

آشتیانی زاده - عرض کنم مقدماتی که فعلاً در این مملکت پیش آمده و اعلیحضرت همایون شاهنشاه مبتکر این مقدمات هستند باندازه ای مهم است و باندازه ای بحال مملکت مفید است (آشتیانی زاده صحیح است) که بقیه بنده باید قبلاً در مجلس طرح شود ولی عقیده تان را گویا بآن آنچه پیش از موقعی که فرنگ رفته بودید يك تفاوتی دارد من روزنامه ها و مجلات این را دارم ولی مخصوصاً این را از روی این خواندم این بزحمت خود بنده تهیه شده است خدمت يك عهده از آقایان هم فرستادم برای آقایان نمایندگان مجلس مؤسسان هم گذاشته ام و استیضاح من هر قدرش بماند بهمین وسیله منتشر میشود مگر اینکه حکومت نظامی جلوی روزنامه ها را بگیرد که درج کنند جناب آقای رئیس ممکن است چند دقیقه تنفس بدهید .

نایب رئیس - اگر اجازه بدهید ده دقیقه تنفس داده میشود (جلسه در ساعت هفت و بیست دقیقه بعنوان تنفس ختم گردید مجدداً در ساعت هفت و چهار دقیقه بعد از ظهر مجلس بریاست آقای گنجهای (نایب رئیس) تشکیل شد .)

نایب رئیس - قبل از آنکه سه کیسوی که باقی مانده بود چون استخراج شده قرائت میشود . (شرح زیر قرائت شد)

کیسیون قوانین دارایی - آقایان ، و کیلی - پین اسفندیاری - ابوالقاسم امینی - دکتر اعتبار - موسوی - بختیار - قوامی - امیر تیمور - سلطانی - افندی - ظفری - اردلان - امیر نصرت اسکندری - گنجهای - مسعود تابتی - ناصر - حائری زاده - شایخی .

کیسیون یشه هنر - آقایان ، موسوی - و کیلی - کهید - اسدی - معین زاده - اردلان - ملک پور - بوداغان - صادقی - ابوالقاسم بهبهانی - ارباب - امین - ارباب گبو - خسروانی - اخوان - دکتر امینی - نیکبور - رحیمیان .

کیسیون بست و تلگراف - آقایان ، محمود محمود - متمدن دماوندی - سالار بهزادی - خوتیلر - حسین و کیلی - نیک بی .

نایب رئیس - از آقایان خواهش میکنم که

زودتر کیسیونها را تشکیل بدهند و هیئت رئیسه را انتخاب کنند آقای دکتر بقائی .

دکتر بقائی - اولاً از آقایان نمایندگان محترم تشکر میکنم که اجازه دادند چند دقیقه تنفس بشود که تانم بتوانم يك مدارکی را که فراموش کرده بودم بیاورم و هم يك قدری استراحت بکنم و با این اجازه شان نشان دادند که ضمناً باین سیاست خسته کردن حریف که دولت پیش گرفته موافقتی ندارند باین جهت بنده تشکر میکنم موضوع دیگری که میخواستم حضور محترم هیئت دولت عرض کنم این است که بنا بود امروز طبق دستور مجلس که در روز پنجشنبه تعیین شده بود لایحه یکدوازدهم مطرح بشود ولی دولت از زیر بار اینکار شانه خالی کرد برای اینکه همانطور که عرض کردم مرا در مضیقه بگذارد که زود تر مطالب خودم را بگویم و بن تهدید بکنند که مستخدمین گرسنه هستند و احیاناً آنها را من بشوراند ولی همانطور که در جلسه صبح عرض کردم من عرایض خودم را خواهم کرد و از میدان این موضوع در نخواهم رفت مضافاً باینکه امروز ظهر رفتمی که من ناهار میخوردم یعنی از ۲ تا ۳ بعد از ظهر متجاوز از بیست تلفن بمن شد از طرف کارمندان دولت که من نیشناختم آنها را و حرفهای تأثر آوری زدند چون من دیگر نمیخواهم حرفهای آنها را اینجا مفصل تکرار کنم خلاصه اش اینکه یک نفر بنده گفت آقای دکتر بقائی امروز ۲۷ ماه است نه پول دارم و نه توانسته ام مساعده بگیرم و نه اینکه روی قرض دارم مفذک من حاضر خودم وزنم و بچه هایم از گرسنگی بیبریم و توهم حرفهای خود ترا برنی میداند آقایان آن کلامی که از دل بر آید بردل نشیند ، من آن شخص شریف را نمی شناختم سابقه ای هم با او نداشتم روی او را هم ندیدم ولی از آنک صدای او در تلفن صداقت احساسات او را احساس کردم و باین جهت بدولت جناب آقای ساعد عرض میکنم که چون من يك نماینده ملت هستم و خواستام از حقوق ملت دفاع کنم و شما خواستاید تضییق وارد کنید در دفاعت من ، اگر بنا باشد دو ماه ، بشنوید دو ماه ، اینجا صحبت کنم حرفها را تمام نخواهم کرد تا اینکه درین استیضاح من یکدوازدهم مطرح شود تا بدانند که قوم ملت بالاتر از قوه شاست ، شما نوکر ملت هستید نوکر مجلس هستید نمیتوانید نمیتوانید ، برای ملت ایران برای مجلس ایران و برای يك نماینده ای تکلیف معین بکنید من تا آخر دوره اگر بنا باشد اینجا صحبت خواهم کرد ، استیضاح خواهم کرد و معذرت آنقدر زیاد دارم که باین زودیها تمام نمیشود تا اینکه در وسط استیضاح من یکدوازدهم بشما بدهند و بمن ختم میکنم والا اگر انتظار دارید که احساسات مرا گیر بیاورید و برای اینکه بگوئید مردم بیچاره آخر ماه حقوق ندارند من از میدان بدر نیروم و ممکن است اگر یکدوازدهم مطرح نشد بین استیضاح من يك تصمیمات دیگری بگیرم که آنوقت برای شما گران تمام خواهد شد .

فخست وزیر - برای خودتان گرانتر تمام خواهد شد .

دکتر بقائی - میدانم من بی همه چیزا بر تن مایه ام .

فخست وزیر - هر کس سوء استفاده از هر مقامی بکند مجرم است .

حائری زاده - رئیس الوزراء نماینده را تهدید میکنند .

نایب رئیس - آقای دکتر خواهش میکنم که مطالب را تکرار نفرمائید اول جلسه تمام اینها را بیان کردید .

دکتر بقائی - رئیس الوزراء مرا تهدید میکنند ولی جناب آقای ساعد من جان خود را در کس دست گذاشته و از این تهدید بدر نیروم (همه نمایندگان) من جناب آقای ساعد میدانم برای من گران تمام خواهد شد میدانم میدانم برای اقوام من گران تمام خواهد شد ، میدانم برای دوستان من گران تمام خواهد شد میدانم که همین امروز در بانک صنعتی چند نفر را که احتمال میدادند که دوست من باشند تهدید باخراج کردند ولی فراموش نکنید که ، آنکه دست از جان بشوید ، هر چه درد دل دارد بگوئید ، و دیگر هم بدین باره صحبت نمیکم میدانم که برای من گران تمام خواهد شد خوشوقت و افتخار میکنم و سعادت من در این است و لغت میبرم برای اینکه سر آقایان محترم را درد نیاورم از تفصیل خودداری میکنم و فهرست وار مطالبی را که تماماً از روزنامه شریفه اطلاعات گرفته ام و از این موقعیت استفاده میکنم و میخوانم تذکر بدهم که بدانید روزنامه چه چیز خوبی است ، روزنامه یک چیز بسیار خوبی است اگر این روزنامه ها نبود من دسترسی بجزایات گذشته نداشتم این روزنامه ها تاریخ را تشکیل میدهند و بهمین جهت است که حکومتهای دیکتاتوری همیشه اول کاری که میکنند جلوی روز نامه ها را میگیرند برای همین است که روز نامه نباشد و فجاجع و جنایات آن ها منتشر نشود و برای همین بود جناب آقای ساعد که در آن شب کذایی که خدمتان رسیدم استدعا کردم که يك عمل شجاعانه بکنید و امتیاز را لغو کنید و دستور بدهید که مطابق قانون اساسی تمام روزنامه ها آزاد باشند و هر کسی بتواند روزنامه بنویسد و در آن شب کذایی با دلیل و برهان بجنابالی ثابت کردم که اگر این شجاعت را بکنید و بکلی جلوی مطبوعات را ول بکنید روزنامه های بد ، روزنامه های فحاش روزنامه های اخاذ و کلاش بعد از ۳ ماه از بین خواهند رفت اگر آقایان استدلال من را خواستید در بیرون خدمتان عرض خواهم کرد ، يك استدلال منطقی دارم که اگر امتیاز را بکلی منفی بکنید و نشر روزنامه ها کاملاً آزاد بکنید بعد از ۳ ماه روزنامه های بد از بین میروند و فقط روزنامه های خوب باقی میمانند يك استدلال منطقی و مفصلی دارد این استدلال را ندیدم جنابالی آقای ساعد عرض کردم ولی متأسفانه بجای اینکه بحرف من گوش بدهید بدست جناب آقای دکتر زنگنه آن لایحه تنگین مطبوعات را ب مجلس آوردید که تنی اعلیحضرت همایونی هم قریب یکماه از اعضاء آن خودداری فرمودند . این بزرگترین تأییدی برای عرایض من است و احساس میکنم که این شاهنشاه جوان و محبوب ما تمام حرفهای مرا

تصدیق میکند یقین دارم که تصدیق میکند و برای یکی از دلایلی که من و امثال من نمیتوانیم زیر بار دیکتاتوری برویم همین موضوع روزنامه است هیچ مسلمانی نمیتواند زیر بار دیکتاتوری برود مسلمان واقعی هیچ مسلمانی هیچ شیعه امام حسینی شیعه حقیقی نمیتواند زیر بار دیکتاتوری برود برای اینکه دین اسلام دین آزادی و تعقل است (صحیح است) و در ادبیاتی که در دنیا وجود دارد کمتر مذهبی است که اینقدر تعقل و روح آزادی در آن بکار رفته باشد عرض کنم که روز ۵ شب ۵ اسفند ماه ساعت ۷ بعد از ظهر نماینده منتخبه فراقسیونها بحضور مبارک اعلیحضرت همایونی شرفیاب شدند در این شرفیابی اعلیحضرت همایونی مطالبی فرمودند که نتیجه اش این بود: اگر آقایان میل داشته باشند تمام مطالب را میخوانم و اگر میل ندارند نتیجه اش را بگویم (بعضی از نمایندگان - نتیجه اش را فرمائید) چون ممکن است بعد بگویند که اولش را انداختی و آخرش را تحریف کردی نتیجه اش این بود که با توجه به مراتب فوق و مشورت با رجال صدر مشروطه نمودن از این رجال صدر مشروطه نمودن با الله که تمام بدبختیهای ما ناشی از یکمده بخصوص از این رجال صدر مشروطه است نمودن با الله فرمودند با توجه به مراتب فوق و مشورت با رجال صدر مشروطه مصمم شده ام که تشکیل مجلس مؤسسان بهمم و از این دو منظور دارم یکی چی و یکی چی و بعد مطالبی اینجا در روزنامه نوشته شده است چون بنده آنوقت در کرمان بودم بعضی از آقایان و کلا اظهار نظر کرده بودند که مجلس این را طرح بکنند و تصویب بکنند اعلیحضرت همایونی فرمودند میخواستند نمایندگان مطلع باشند و الا این کار دولت است که اعلام بدهد و عمل کند وای از آن روزی که این دولت باید جواب بدهد در مقابل محکمه الهی و ای آقای ساعد من از آن روز می ترسم ، می ترسم که شما آنروز نتوانید دلیل بیاورید که من ضعیف بودم من ترسیدم آنروز این دلیل از شما پذیرفته نخواهد شد آن روز آنآموریتی که من میدانم و شما خواهند گفت میخواستی از مقام نظر کنی من میدانم که شما خودتان این کارها را نکردید کاش اقلاً خودتان کرده بودید ولی شما باید جواب کارهایی را بدهید که دیگران کرده اند چون شامسئولیت دارید در مقابل اینمجلس روز یکشنبه هشتم اسفند ماه جریان روزاز روزنامه اطلاعات، روزنامه اطلاعات برای نگاهداری تاریخ بهترین چیز است می نویسد موافقت نمایند با تشکیل مجلس مؤسسان عصر روز پنجشنبه آقایان ... حال این را هم که من برایتان میخوانم یک جنبه دیگری هم دارد گذشته از یادآوری و آن این است که آن وقت بنده در کرمان بودم و اینها وسیله روزنامهها منعکس میشد و بوسیله رادیو منعکس میشد عصر روز پنجشنبه آقایان نمایندگان فراقسیونهای پارلمانی با اتفاق عده ای از آقایان وزیران و رجال در کاخ اختصاصی بحضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب شدند در این شرفیابی آقایان نمایندگان فراقسیونها از نظر پات شاهانه در باره اصلاح وضع کشور و جلوگیری از قروفلات عمومی و توجه بزندانگان مردم و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی اطلاع حاصل کردند و قرار شد که نمایندگان فراقسیونها

سایر آقایان نمایندگان را نیز از موضوع فوق مطلع سازند جلسه فراقسیونهای پارلمانی در اجرای این منظور پیش از ظهر امروز در مجلس شورایی (باید نوشته باشد جلسات فراقسیونها چون فراقسیون باین اسم در مجلس شورایی نداریم) در مجلس تشکیل گردید و موضوع لزوم اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی و سایر فرمایشات ملوکانه مطرح شد آقایان نمایندگان فراقسیونها بین خود مذاکراتی در اطراف موضوع نمودند و در پرتو این مذاکرات (و برای خود) عقیده خود را در لزوم اصلاح و تکمیل بعضی از اصول قانون اساسی بیان کرده و گفتند در تمام کشورهای جهان در فاصله بین جنگ اخیر و دوره بعد از جنگ تحولاتی روی داده و در نتیجه اوضاع و احوال جدید کلیه ملل دموکرات متوجه شده اند که باید کم و بیش در قوانین اساسی خود اصلاحاتی کرد و تغییراتی بدهند و اینجا هم بکجهله کسر دارد اضافه میبایست کنند که بعضی از دول دموکرات هم معتقد شده اند که بایستی در قانون اساسی ایران جناب آقای تقی زاده تغییراتی داده شود و دول دموکرات معتقد شده اند که در قانون اساسی ایران تغییراتی داده شود به خدا ضعف را بیاورد وقتی ملتی ضعیف شد ضعف بد چیزی است ، در ایران نیز از چندی قبل باینطرف لزوم اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی احساس میشد به ما هم احساس کرده بودیم و اکنون که اعلیحضرت همایونی این نکته را تصریح فرموده اند مجلس نیز موافقت خود را اعلام میدارد ، در اینجا من مجبورم باینکه را بگویم و آن اینست که اظهار نظر نمایندگان فراقسیونها اظهار نظر مجلس نیست (صحیح است) اظهار نظر مجلس موقفی را میگویند که و کلام با تمام شرفیابی که معین شده و با حضور تاشاچی در این مکان مقدس بنشینند و اظهار نظر بکنند در اینجا هر کسی در اظهار نظر آزاد است ولی از اینجا بیرون هر اظهار نظر که بشود نمیشود گفت اظهار نظر مجلس است و روی آن اسم اظهار نظر مجلس نیکندارند (حائری زاده - صحیح است) میتوانی تکذیب کنی ، میتوانی بگوئی صحیح نیست اگر میتوانی بگوئی صحیح نیست بگوئی تمام سکوت کردی و فقط یکی گفت صحیح است اگر میتوانی وحرف من غلط است همین جا بگوئی صحیح نیست بعد هم بعنوان ماده ۱۰۹ بگوئی که غلط گفتمی (حائری زاده - صحیح است) پس نمیشود گفت که مجلس موافقت خود را اعلام میدارد ولی پس - فردا آن بسفردائی ... (امامی اهری - بودجه اش را تصویب کردید) این صحبتی که میکنم آقای امامی اهری مال یکشنبه هشتم اسفند است و روزنامه اطلاعات غیب نمینویسد بودجه اش را در آخر اسفند مجلس تصویب کرد من این را قبول دارم و بآنجا هم خواهیم رسید ولی در هشتم اسفند مجلس هنوز اظهار نظر نکرده بود (صحیح است) من مال هشتم اسفند را میگویم میدانم که بعداً بودجه اش را تصویب کرد و اظهار نظر کرد آنرا هم در موقع خودش شاید برای فردا یا سفردا یا پنجشنبه حلاجی خواهیم کرد و توضیح خواهیم داد ولی در موقعیکه این نوشته شد هنوز مجلس اظهار نظر نکرده بود دنباله خبر را میخوانم ، حضور آقای نخست وزیر و وزیران ، یکساعت بظهر آقای ساعد نخست وزیر با اتفاق چندتن از آقایان وزیران در جلسات فراقسیونهای پارلمانی حضور بهم رسانیدند و نظر دولت را

«این هم را دقت بکنید» و نظر دولت را در موافقت با تشکیل مجلس مؤسسان اینجا نوشته است دولت نمایانم چه دولتی موافقت کرده عینش را میخوانم فقط نوشته دولت را هم دایره موافقت با تشکیل مجلس مؤسسان و لزوم انجام اصلاحاتی در بعضی از مواد قانون اساسی و تکمیل آن با اطلاع مجلس رسانیدند و توضیح دادند که چون در قانون اساسی ما راهی برای اصلاح و تکمیل خود قانون اساسی معین نشده است و از طرف دیگر قانون اساسی فعلی در چهل و چند سال قبل از این طبق اوضاع و احوال آنروزها نوشته شده است و این قانون با مقتضیات امروز کشور ما و اوضاع و احوال جهان وفق نمیدهد پراثر باز میکنم خیلی معذرت میخوانم ، قانون اساسی ما در چهل و چند سال قبل نوشته شده است قرآن مقدس ما در هزار و سیصد و شصت سال قبل نوشته شده است این دلیل بر این نیست که چون چهل و چند سال قبل قانون اساسی نوشته شده است باید تغییر کند پس اگر باید قانون اساسی بعلت اینکه چهل و چند سال قبل نوشته شده است بطریق اولی جناب آقای ساعد شما پس باید بیائید بگوئید که قرآن هم باید تغییر کند (همهها نمایندگان) (زنک رئیس) .

حاذقی - قانون خدا غیر از قانون اساسی است چرا کفر میگوئید استغفار بکنید قرآن کتاب خدا است .

دکتر بقائی - جناب حاج آقا استغفار میکنم من نکتم تغییر بکنم من گفتم شما که این جور استدلال میکنید پس باید بگوئید که قرآن هم باید تغییر کند .

حاذقی - قرآن که قانون من و تونیست قانون اساسی کجا قرآن کجا .

دکتر بقائی - من میگویم شما که این جور استدلال میکنید پس باید آنرا هم تغییر بدهید من با هر دو تاش مخالف هستم من میگویم همانطور که قرآن لاتغییر است همانطور که قرآن مقدس ما لا بتغییر است (کشاورز صدر - قابل مقایسه نیست) برای من قابل مقایسه است من قسم خورده ام من در این مجلس قسم خورده ام بهمان قرآن که این قانون اساسی را حفظ کنم معنی مهمال ممکن که در قسم گفته ام یعنی مادام الحیوة ، یعنی تا جان دارم قانون اساسی را حفظ کنم تا وقتی که اعتقاد بآن قرآن دارم این قانون اساسی را حفظ خواهم کرد و همینطور که استدلال راجع به تغییر قرآن را نمیتوانم بپذیرم استدلال راجع به تغییر قانون اساسی را هم نمیتوانم بپذیرم (دکتر حاجی - عقیده شخصی است) برای اینکه این قانون اساسی ، که قبل از ۲۲ آبان صحبتهائی از تشریح در انگلستان بود این قانون اساسی ، با خون شهدای آزادی این مملکت امضاء شده است ، خون عموی بزرگوارم این قانون مقدس اساسی را امضاء کرده است و من بآن قرآنی که جناب آقای حاج ابوالفضل حاذقی این جور طرفداری میکنید از آن و خدا از دل شما خبر دارد و من بآن قرآن در پشت همین تریبون قسم خورده ام که قانون اساسی را حفظ کنم از این هباهو از میدان بدر نمیروم .

بقائی ندارد مقصود جنگ اگر بر سرش تیر بارتند و سنک (مکی - احسنت) شعر مال حافظ است فدائیش

را گفتم بقائی (خنده نمایندگان) بیخشد معذرت میخوانم شعر از سمدیست (زنک رئیس) .

نایب رئیس - آقای دکتر فرمایشات خودتان را فرمائید اینجا مجلس مشاعره نیست .

دکتر بقائی - چون آقای رئیس عصبانی شده باید اجازه بدهید حکایتی عرض کنم ، یک حکایت کوچکی است که نقل میکنم (زنک رئیس) .

نایب رئیس - بنده عرض کردم که اینجا مجلس مشاعره و حکایت نیست .

دکتر بقائی - خوب حکایت را بعد نقل میکنم یک حکایت شیرینی است ، بلی آن مقدمه را خواندم که چون با مقتضیات کنونی وفق نمیدهد این است که دولت با اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی موافقت دارد و مخصوصاً برای همین امر امروز در مجلس حاضر شده ایم قول آقای ساعد را نقل کرده اند جناب آقای ساعد گوش بدهید چون نقل قول کرده اند میخوانم بینما اگر فرموده اید تکذیب فرمائید از قول جنابعالی نوشته اند این است که دولت نیز با اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی موافقت دارد و بخصوص برای همین امر امروز در مجلس حاضر شده ایم که از نظر مجلس یعنی آقایان نمایندگان اطلاع حاصل کنم این را حضرتعالی فرموده اید ؟

نخست وزیر - بله .

دکتر باائی - پس این راه میخواستم عرض کنم که یکی از موارد استیضاح من است که کجا این تفسیر را دیده اید که از نظر مجلس یعنی آقایان نمایندگان ؟ نظر مجلس نظر مجلس است نظر آقایان نمایندگان نظر آقایان نمایندگان است اگر تمام آقایان نمایندگان که اینجا هستند و به اضافه آنهایی که بیرون هستند با اضافه آنهایی که در شهرستانها هستند یعنی تمام که ۱۳۶ نفر هستند تمام اینها یک ورقه ای را امضاء بکنند باین ورقه نمیکویند نظر مجلس نظر مجلس موقفی است که در این مکان مقدس جمع بشوند و با حضور روزنامه نوس و تاشاچی بحث کنند نظر بگیرند این را میگویند نظر مجلس (فولادوند - این اعتراض بنده در اول مجلس بشما و یک عده دیگر) اگر در بیرون از مجلس اظهار نظر بشود این نظر مجلس نیست و این را توضیح میخوانم از شما .

فولادوند - شما برخلاف آن قسم قرآن اولی که در حزب دموکرات خوردید و ورده را امضاء کردید عمل ننمودید .

دکتر بقائی - بروید آن قسم نامه را بیاورید و ببینید بنده این حرفها را جواب دارم .

فولادوند - بنده حضور داشتم بودم و دیدم و هست .

حاذقی - آن حساب نیست .

دکتر بقائی - نخبیر حساب است من هیچ جا قسمی نخورده ام .

فولادوند - از رفتای خودتان پیرسید .

دکتر بقائی - حالا بشما عرض میکنم (زنک مدت رئیس) جناب آقای نبوی هم در آن شب تشریف داشتند منم بودم .

فولادوند - عرض کنم که شما با اعتراض من جواب ندادید آنها را قبول داشتید اینها را

قبول ندارید .

دکتر بقائی - خیر آنها را قبول داشتم اینجا راهم قبول دارم (زنک رئیس) .

نایب رئیس - آقا خارج از موضوع صحبت نکنید .

دکتر بقائی - آقا چرا جلو ایشانرا نمیگیرید فقط من باید خارج از موضوع صحبت نکنم ؟ شما فراموش کردید آقای فولادوند ، شما فراموشکار هستید .

بله برویم سر موضوع موافقت فراقسیونهای پارلمانی پس از مباحثاتی که در جلسات امروز در اطراف نظریات شاهانه و اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی بعمل آمد در آخر وقت نمایندگان فراقسیونهای اتحاد ، اتحاد ملی ، آزادی ، ترقی ، دموکرات ایران ، اتفاق نظر خود را کتباً ضمن نامه ای نوشته و تقدیم مقام ریاست کردند در این نامه ها آقایان نمایندگان فراقسیونهای حاضر در مجلس موافقت خود را با تشکیل مجلس مؤسسان و اصلاح تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی اعلام کردند دنباله خبر شرفیابی بحضور ملوکانه ساعت ۶ بعد از ظهر امروز جناب آقای سردار فاخر حکمت رئیس مجلس شورای ملی بحضور اعلیحضرت همایونی شرفیاب میگردد و جریان امروز مجلس و تصمیم ۰۰۰ دقت فرمائید - و جریان امروز مجلس و تصمیم نمایندگان را ، تصمیم نمایندگان را در موافقت با تشکیل مجلس مؤسسان برض ملوکانه خواهند رسانید ، در جریان این صحبتها منی که خواهم کرد و عرایضی که حضور محترم حضار عرض خواهم کرد کراراً یک تناقضات عجیبی بر میخوریم ، یک بام و دو هواها من عجیب و غریب بر میخوریم یکی راجع به تمدن نام علم دخالت دانشجویان در سیاست است . (صفوی - در محیط دانشگاه) چشم آنهم چشم بله (صفوی - آنرا قبلاً تصریح کرده اند در محیط دانشگاه) آنرا هم عرض میکنم بله در همان محیط دانشگاه بود که هنگامیکه تلگراف های تقاضای تشکیل مجلس مؤسسان را میبردند جناب آقای دکتر زنکته یکی از دانشجویان گفته بود ، یک دانشجو گفته بود شما امضاء نمیکنم میدانم چطور شد ؟ از امیر آباد پیروش کردند گفتند برو امیر آباد هم محیط دانشگاه بود دانشکده حقوق هم در محیط دانشگاه است پس چطور شد از امیر آباد پیروش کردند ؟ در خود دانشگاه حقوق تلگراف برای مجلس مؤسسان بامضاء میرسانیدند کی ؟ اولیاء دانشکده یعنی همان اشخاصی که تهدد گرفته بودند که در محیط دانشگاه کسی مداخله در سیاست نکند بله در همان محیط دانشگاه و این مسخره است که پرپر روز امضاء گرفتند که در آن محیط دانشجو دخالت در سیاست نکند (فولادوند - بسیار کار صحیحی کردند) فرمایش میروند امضاء میگیرند که دخالت بکنید . (فولادوند آنهم بسیار کار غلطی بوده) بسیار چی ؟ (فولادوند - آن را هم بسیار کار غلطی کردند) غلط کردند ؟ (فولادوند - بله) بنده بسیار از جنابعالی تشکر میکنم که این تصدیق را کردید ، اما این یک موضوع دیگری است چون من کارم اخلاق و فلسفه و اینهاست ولی راجع به ملت هم گاهی یک دخالتها بی جایی میکنم تصمیم یک کلمه فریبی است

من میدانم چه جور میشود که دو معنی از «تصمیم» گرفت یک جا سه روز قبل ما می بینیم اعلیحضرت همایونی که البته مقامی غیرمشول هستند و هر امری را که انجام بدهند این دولت یعنی این هیئت باید جوابش را بدهد پس هر کاری که بشود تهیه اش بوسیله این هیئت شده است میفرمایند من تصمیم گرفته ام که مجلس مؤسسان دایره کنم سه روز بعد نوشته است جناب آقای رئیس مجلس که شرفیاب میشوند بحضور ملوکانه برای اینکه تصمیم و کلا را دایره موافقت با تشکیل مجلس مؤسسان عرض نمایند . خوب یا و کلا در تصمیمشان آزاد بودند یا آزاد نبودند این یکی از موارد استیضاح من است جناب آقای ساعد باین مطلب باید جواب بدهید یا آزاد بودند یا آزاد نبودند (همهها نمایندگان) اجازه بدهید این مقدمه است اجازه بدهید نتیجه برسم بعد اعتراض بکنید . عرض میکنم یا آزاد بودند یا آزاد نبودند اگر آزاد بودند آزادی دلیل بر این است که اختیار داشتند بر اینکه تصمیم بگیرند یا نگیرند اگر خدای ناکرده مجلس بر خلاف تصمیم ملوکانه تصمیمی میگرفت آنوقت چطور میشد ؟ فکر این را بکنید برای این است که قانونگذار مقرر کرده است اول مجلس تصمیم بگیرد بعد بهیئت دولت که در عین حال نوکر مجلس و نوکر شاه است ابلاغ کند هیئت دولت بشاه عرض کند رد کند (حائری زاده - در قانون ما این حق را ندارد) ولی مقام سلطنت مبری از مسئولیت است جناب آقای ساعد مقام سلطنت مقام شامخی است مقام مقدسی است مقام محترمی است بالاترین مظهر ایرانیت مقام سلطنت است پس این گناه شما است ، این گناه شماست که میگدارید اول بگویند که مقام سلطنت تصمیم گرفته است . (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد)

نایب رئیس - تأمل کنید اکثریت بشود .

دکتر بقائی - ... تأمل میکنم فرصت تأمل دارم . (پس از لفظه ای اکثریت حاصل شد)

نایب رئیس - فرمائید .

دکتر بقائی - پس اول باید مجلس اظهار نظر بکنند و شما امر بدهد که بروید برض پیشگاه ملوکانه برسانید و آنوقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تصویب بکنند یا نکنند دلیل این هم بسیار بدیهی و بیش یا افتاده است برای این است که هرگز شاه یک تصمیمی نگیرد که مجلس بتواند بآن تصمیم مخالفت کند برای اینکه این عمل توهین بمقام شامخ سلطنت است .

نایب رئیس - تأمل کنید آقای دکتر بقائی اکثریت نیست .

دکتر بقائی - آقایان اگر خسته شده اند ممکن است جلسه را ختم کنیم اگر نیستند بنشینند که من حرفهایم را بزنم (نمایندگان - می نشینیم) پس خواهش میکنم آقا دستور فرمائید که آقایان رعایت تابلورا بکنند برای اینکه من نمیتوانم هی مطالب را شروع کنم و قطع کنم یا دستور بدهم که تابلو را بیاورند (زنک رئیس) . (در این موقع اکثریت حاصل شد)

نایب رئیس - فرمائید .

دکتر بقائی - ... پس علاوه بر استیضاح من دولت جناب آقای ساعد را به توهین بمقام شامخ سلطنت

متمم بنام (احسن) برای اینکه فکر کنید که در مجلس برخلاف تصمیم شاهانه تصمی گرفته شده بود این نتیجه خلاف مقررات رفتار کردن جناب عالی است و من ثابت خواهم کرد جناب آقای ساعد که نظریه مجلس برخلاف این تصمیم بوده است من این مطلب را در همین جا ثابت خواهم کرد و گناه جناب عالی دوچندان است زیرا در آن موقع خودتان افتخار نمایندگی این مجلس را داشتید . بگذریم . روز دوشنبه هم استفاده اخبار را دیگر نمیخوانم ساعت ۶ بعد از ظهر یکشنبه جناب آقای سردار فخر شرفیات میشوند حضور ملو گانه این جریان را عرض میکنند و میسبم با اقدامات دولت بطوریکه در شماره دیروز اطلاعات گفتم آقای ساعد نخست وزیر و بعضی از وزیران بمجلس آمدند و وعده دادند که تصمیماتی برای این منظور و تشکیل مجلس مؤسسان اتخاذ شود تقاضای تشکیل مجلس مؤسسان بطوریکه اطلاع یافته ام امروز و امشب نیز موضوع اصلاح و تکمیل بعضی از مواد قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان در هیئت دولت مطرح و آقایان وزیران مطالباتی در روی این موضوع بعمل خواهند آورد و شاید عریضه ای از طرف دولت در این خصوص بحضور ملو گانه تقدیم گردد . این شاید را بنده تا حالا توجه نکرده بودم چون دلیل این شاید این است که این تصمیمات قبلا گرفته شده چون روزنامه اطلاعات پیش بینی کرده بود که شاید کنفرانسهایی هم داده شود روزنامه اطلاعات اینچور مینویسد شاید عریضه نوشته شود بقرار اطلاع در این عریضه هیئت دولت از حضور اعلیحضرت همایونی تقاضا خواهند کرد که اعلیحضرت همایونی اجازه بفرمایند که فرمان تشکیل مجلس مؤسسان تهیه و صادر گردد خوب این هم پیش بینی مغیر اطلاعات است که میداند آن نامه ای که برای شاه مینویسد چه نوشته است . ممکن است آقای نخست وزیر با مجلس شورای ملی مجددا تماس گرفته و موضوع تشکیل مجلس مؤسسان و اصلاح و تکمیل قانون اساسی را در مجلس رسماً اعلام نمایند بعد هم میسبم باینجا که تشریف آوردند بمجلس و نامه ای که نوشته بودند به پیشگاه ملو گانه قرائت کردند اما در مجلس اجازه داده نشد راجع باین موضوع صحبتی بشود (مکی - صبح است) و این یکی از آنکهای مجلس دوره ۱۵ در تاریخ ثبت خواهد شد . ثبت خواهد شد یک تنک غیر قابل پاک شدن (و کیلی - بمجلس نمیشود گفت تنک نباید بگوئید تنک) بمجلس نگفتم تنک آقای و کیلی و بهتر است برای جناب عالی که در آن دوره حبس کشیدید مگر اینکه یک اطمینان قطعی بشما داده باشند که این دوره حبس نخواهد شد اگر اطمینان داده اند که من حرفی ندارم ولی اگر اطمینان بهتان نداده اند توی حرفهای من ننویسید ، توی حرفهای من ننویسید (زنک متدریس) من از شما هم دفاع میکنم .

و کیلی - اجازه بدید من جواب بدم بهتان **نایب رئیس -** شما نظم مجلس را بهم مزیند آقای دکتر وارد خصوصیات ننویسید . شما با افراد این مجلس و افراد نمایندگان یک یک توهین میکنید شما آزادانه نطق خودتان را بکنید .

و کیلی - من راضی هستم که روی سینه من چکمه های موطن من بخورد ولی اجنبی نباید من راضی هستم روی سینه من چکمه های نظامیها پرود

و یک اجنبی باین مملکت نباید . (احسن) من راضی تمام ماها زیر چکمه همین نظامیها بپریم یک اجنبی توی این مملکت نباید .

دکتر بقائی - ولی من نه راضی هستم چکمه این نظامیها بیاموری سینه من نه اجنبی باین مملکت بیاید . (و کیلی - من راضی هستم) من هیچکندم را راضی نیستم و ملت ایران هم هیچکندم را راضی نیست . (صبح است) و این شاههاستید که آن چکمه ها را دارید و اکس میزید ، شما ها هستید . (همه نمایندگان زنک رئیس)

و کیلی - کسی که بشاه گلوله انداخته است میگوید دیوانه است این که وضع نیست ماحیثت داریم . این حرفها یعنی چه ؟ ما تا بحال احتمال میدادیم حالا بقیه کردیم (زنک رئیس)

نایب رئیس - آقای مجلس را از اکثریت ننید ایزد . **و کیلی -** شما پانصد دفعه گفتید که من پسر میرزا شهاب هستم من نمیتوانم این حرفها بشنوم .

دهقان - دور از انصاف است که وقت مجلس باین حرفها تلف بشود

دکتر بقائی - بله آقای و کیلی من افتخار میکنم .

و کیلی - من برادرم کشته شد پسر عموهایم کشته شدند ، خانواده ام کشته شدند شما فقط افتخار میکنید که پسر میرزا شهاب هستید .

دکتر بقائی - اثبات شیشی نفی ماعدی نمیکند (و کیلی - منم افتخار دارم) شلمم افتخار داشته باشید هیچ مانعی ندارد که شمامم افتخار داشته باشید مگر من گفتم نداشته باشید شمامم افتخار داشته باشید .

نایب رئیس - من خیلی تعجب میکنم که آقای دکتر بقائی که همیشه میفرمایند یک محیط ساکتی باشد برای ادامه نطق خودشان میخواهند یک محیط متشنجی ایجاد بکنند و می باشد . اس معترم مجلس توهین میفرمایند . برای اینکه مجلس از اکثریت بنبته خواهم میکنم جناب عالی نطقتانرا بفرمایند این حرفها از شما شایسته نیست که توهین باشناس بکنید .

دکتر بقائی - جناب آقای رئیس بفرمائید من چه توهینی کردم ؟ این فرمایش حضرت عالی توهین به بنده است من چه توهینی کردم ؟ بفرمائید من چه توهینی کردم .

نایب رئیس - بنده باقا اخطار میکنم و خواهش میکنم از این رویه منصرف شوید طوری نکنید که مجلس شمارا از نطق محروم بکند .

دکتر بقائی - من از خدا میخواهم من میدانم که اکثریت نمیتواند حرفهای مرا بشنود (همه نمایندگان)

امامی اهری - شامحق ندارید ، وقت مجلس را گرفته اید

دهقان - ما می نشینیم و گوش میکنم هر چه هم مزخرف بگوئی ما می نشینیم شما میخواهید نظم جلسه را بهم بزیند از قرآن خدا تا و کیلی گرفته توهین میکنید که نظم مجلس را بهم بزیند ولی ما می نشینیم و گوش میکنیم .

دکتر بقائی - آقایان کاینجا هستند می شنوند که کی توهین کرد بمجلس آقای دهقان .

نایب رئیس - آقای دهقان خواهش میکنم بین الانتین صحبت نکنید .

قبادیان - شما آقا یکماه دیگر میخواهید حرف بزیند تکلیف مملکت چیست استیضاح یکروز دو روز سه روز است نباید اینقدر طول بکشد اگر استیضاح است متن استیضاح را بفرمائید . (زنک رئیس) نه وقت خودتان را تلف کنید نه وقت مملکت را .

دکتر بقائی - جواتانرا میدهم جواب این است که این خواب ناروائی که برای این مملکت دیده اند حداقل دو سال حد اکثر ۵ سال است چون دنیا بیش از این اجازه نمیدهد و در فاصله اش اگر جنگی بشود که اگر جنگی نشود در فاصله اش حد اقل دو سال دیگر این مملکت این مردم بیچاره این ستمکشیده ها دو سال الی پنجسال دیگر زیر چکمه های دیکتاتوری جان خواهند داد (عده ای از نمایندگان - اینطور نیست) و هر چه بفرمائید که اینطور نیست من میگویم اینطور هست و راجع ثبت اسناد هم صحبت نخواهم کرد چون مطلب خیلی دارم

همین اسفندیاری - اینطوری که شامبرداشت کرده اید تا حالا دیده نشده است .

دکتر بقائی - البته خیلی از چیزها تا بحال دیده نشده تا بحال دیده نشده که اینطور دیکتاتوری درست بکنند تا بحال دیده نشده (همه نمایندگان)

دهقان - سوء استفاده شما دیکتاتوری بوجود میآورد .

امامی اهری - مجلس ناچار است پیشنهاد کند ده ساعت دوازده ساعت بشما وقت بدهد که حرفهای خودتانرا بزیند .

دکتر بقائی - خدا بامرزد مرحوم دکتر سید نصر را خدا بامرزدش دکتر سید ولی الله خان نصر را

صفوی - هفتاد نفر نشسته یک نفر وقت مملکت را تلف میکنند .

دکتر بقائی - برای اینکه اگر من تلف نکنم آنوقت ۱۵ میلیون باید بنشینند که پنج شش نفر زندگیشان را تلف کنند من برای جلوگیری از آن حرف میزنم . (زنک رئیس)

صفوی - دو سال مجلس را از کار انداختند نگذاشتند مجلس کار کند . (زنک رئیس)

دکتر بقائی - ممدک من از حدود استیضاح خود خارج نخواهم شد مطمئن باشید .

صفوی - دو روز است از حدود استیضاح خارج شده اید .

دکتر بقائی - مقصودم این است که راجع بان موضوع صحبتی نخواهم کرد .

نایب رئیس - اگر نمیخواهید مطالبتان را بگوئید که هیچ والا مجلس را از نظم خارج نکنید .

دکتر بقائی - بنده میخواهم بگویم شما مجلس را اداره کنید .

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی اگر میخواهید مطالب خودتان را بفرمائید مجلس حاضر است

دکتر بقائی - بنده حاضر میفرمایم آقایان نظم را رعایت کنند بنده عرض کنم خلاصه این نامه را جناب آقای ساعد خوانند در مجلس و در مجلس بشهادت صورت جلسات اجازه بحث در آن موضوع

داده نشد این صحبت ۱۰ اسفند بود آقایان یادشان باشد که در ۱۶ اسفند اعلیحضرت همایونی آن فرمایشات را فرمودند در ۸ اسفند مجلس و دولت موافقت خودشان را اعلام داشتند و در چهارشنبه ۱۱ اسفند اطلاعات نوشته شده است تلگرافات مربوط بمجلس مؤسسان در این دوروزه ، در این دوروزه تلگرافات زیادی از طبقات مختلف از طهران و شهرستانها با اداره واصل و از پیشگاه همایونی ... (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد و پس از چند لحظه مجددا اکثریت حاصل شد)

نایب رئیس - از آقایان خواهش میکنم که رعایت تابلو را بفرمائید که مجلس از اکثریت نینفتد آقای و توف بفرمائید به نشینید . بفرمائید آقای دکتر بقائی .

دکتر بقائی - در این دوروزه تلگرافات زیادی از طبقات مختلف از طهران و شهرستانها با اداره واصل و از پیشگاه همایونی و هیئت دولت و مجلس شورای ملی تقاضای تشکیل مجلس مؤسسان و تکمیل مواد قانون اساسی را نموده اند که از شماره فردا بتدریج در صفحه سوم روز نامه منتشر خواهد شد در آن موقع بنده در کرمان بودم جناب آقای دکتر سجادی و درست وارد بجریان بودم علت اینکه درست وارد بجریان بودم اینست که در آن موقع من جزو وکلای اقلیت نبودم آقایان میدانند که من با کمال حسن ظن و حسن نیت بکابینه جناب آقای ساعد رأی موافق داده بودم و جزو وکلای اکثریت بودم و بهمین جهت اسرارمگو از من پوشیده نبود این خطی است که باید در آتیه دستور بدهند این اسرار را حتی از وکلای اکثریت پوشیده بدارند چون ممکن است یک وکیل مظنون مثل من پیدا شود و بیاید آن اسرار مگورا بگوید حالا جریان چی بود ؟ روز ششم اسفندماه اعلیحضرت همایونی بهیئت دولت فرمودند من تصمیم گرفته ام مجلس مؤسسان افتتاح کنم آمدند در مجلس بانمایندگان هم صحبت کردند و جناب آقای ساعد هم نظر نمایندگان را کسب و تفسیر کردند یعنی نظر مجلس و روی این تصویب نامه از هیئت دولت گذراندند یک وقت متوجه شدند که عمل خلاف قانونی انجام داده اند و گناه شما این است که این توجه را بیشتر میبایستی بکنید نه بدتر در سیاست اشتباه غیر قابل عفو است متوجه شدند که خط شده و اینطور مجلس مؤسسان قانونی نیست

نایب رئیس - آقای حائری زاده بیرون بروید .

دکتر بقائی - با آقای حائری زاده از قول من بگوئید که تشریف بیاورند ... (در این موقع مجلس از اکثریت افتاد پس از چند لحظه مجددا اکثریت حاصل شد)

نایب رئیس - بفرمائید آقای دکتر بقائی .

دکتر بقائی - خلاصه این اقلیت و اکثریت شدن و از اکثریت افتادن موجب میشود که من مطالب را تکرار کنم چون وسط حرفهای من از اکثریت میافتد . عرض کنم در تاریخ ششم اسفند و کلا شرفیاب شدیم بحضور ملو گانه در روزهای هفتم و هشتم و نهم اسفند مجلس یعنی باسم مجلس نمایندگان فرا کسیونها اظهار نظر کردند و هیئت دولت هم تصویب نامه صادر

کرد یک وقت متوجه شدند که باین ترتیب مجلس مؤسسان قانونی نیست و دست پاچه شدند این دولت خیلی زود دست پاچه میشود کما اینکه الان از این استیضاح من سخت دست پاچه شده است و موارد دست پاچگی را آمده اند بن گفته اند ولی من این موارد دست پاچگی را نمیگویم تا تمام دست پاچگیها را بکنند آنوقت خواهم گفت خلاصه آنوقت هم دست پاچه شدند و در تاریخ نهم اسفند یعنی بعد از تمام شدن تمام آن جریانات تلگرافی از ستاد ارتش تلگراف را بنده خودم دیده ام و اگر الان هم جناب آقای وزیر جنگ دستور بفرمایند میتوانند بفرستند و از پرونده اش بیاورند ولی در دستم نیست ولی آقایان بشرافت من اطمینان دارید و میدانید که تا من مطمئن نباشم حرفی نمیزنم یک تلگراف نیم ورقی و اینقدر با عجله که حتی برخلاف دوره سابق احتیاط رمز کردن آنرا هم نکرده بودند تلگراف کردند فوری بتمام لشکرها که ابراز احساسات از طرف ملت و تقاضای تشکیل مجلس مؤسسان بشود باین دلیل که شاه هیچ تلگرافی بتاریخ قبل از ۹ اسفند نمیتواند ارائه بدهد مگر اینکه آنرا از تلگرافخانه حالا بگویند جعل کنند چون دستور مال روز ۹ اسفند است و همان روز اینجا هم نوشته شده است که تلگرافات زیادی رسیده یعنی روز ۱۱ در روزنامه اطلاعات نوشتند که این دو روز تلگرافات رسیده است والا اگر چنانچه تصمیم دولت و تصمیم ملو گانه متکی بر تقاضای مردم بود روزنامه اطلاعات میبایست افلا روز چهارم اسفند بنویسد که تلگرافاتی برای تشکیل مجلس مؤسسان رسیده است آنوقت تصمیم ملو گانه را تأیید بکنند و این یک موضوعی است و از آن اشتباهات عجیب نشسته اند یا حرفهای من بایشان میرسد اگرده بیست سال دیگر خواستند مجددا یک دیکتاتوری درست بکنند یادشان باشد که اول تلگراف را بفرستند بعد این کار را بکنند نه اینکه اول تصویب نامه صادر و توی رادیو هم گفته شود که دولت تصویب نامه صادر کرد آنوقت از فرمایش میبینیم که یک ایران از رود ارس از خوزستان تا انتها الیه شرق خراسان صبح بیدار شد و مجلس مؤسسان خواست و تلگرافات اولیه که عرض کردم هیچکدام تاریخشان قبل از ۹ اسفند نیست هیچکدام از اینها بروی خودشان بیاوردند که اعلیحضرت تصمیم گرفته دولت تصویب نامه صادر کرده چندتاش را حالا میخواهم که از خستگی در بیایید از بابل یا رامسر بالای روزنامه پاره شده است یک عده تلگراف کرده اند که این جانبان نانویان تلگراف از کاشمر است چون در متن تلگراف ذکر شده این جانبان نانویان و بقالان و قصابهای شهرستان کاشمر بواسطه نقص قوانین نامطلوب فعلی و وضع اجتماعی کنونی کشور که موجب زحمت و اشکالات زیادی شده است بستوه آمده ایم (خنده نمایندگان) نانواها و قصاب و بقالهای کاشمر ناگهان بستوه آمده اند و بدینوسیله از اولیای محترم امور تقاضا داریم بمنظور رفاه و آسایش حال ما بیچاره ها . بمنظور رفاه و آسایش اهالی هر چه زودتر برای تشکیل مجلس مؤسسان وسنا و تعدیل قوانین فعلی کشور اقدامات مؤثری بعمل آید . نمایندگان نانواها محمود منوچهری و

هاشم معمار (خنده نمایندگان) قصابها چندتا دیگر از نمایندگان بقال هم یک یک رضا معمار باشی دارد حالا من اسامی رامیخوانم آقایان توجه بفرمایند که اولاً میبینیم خدا را شکر که فرهنگ و معارف اینقدر ترقی کرده و علاوه بر عدالت اجتماعی تهران باندازه زیاد شده که بقال و نانواها و قصابهای کاشمر هم میفهمند که این قوانین نقص دارد و روز نهم یعنی بعد از نهم چون تاریخ را در روزنامه ذکر نکرده اند چون اگر ذکر میکردند دیگر آن یک مدرک عجیبی میشد ولی من اینها را بشما قول میدهم که هیچکدامش تاریخش قبل از نهم نیست چون دستور روز نهم صادر شده است روز ششم و هفتم و هشتم آن جریان روز یازدهم روزنامه اطلاعات مینویسد در این دوروزه و من بروزنامه های دیگر هم مراجعه کردم هیچکدام قبل از روز یازدهم چیزی ننوشتند . اول همه بستوه آمدند بعد بی صبری کردند . شاهی - در این موقع که مذاکرات مجلس مؤسسان بمیان آمده با کمال بیصبری انتظار داریم این عمل خوب و قابل استفاده را بعمل آورند از طرف عشا بر بربری سید ابوالحسن یارعلی خسروی ، این را استاد نکنید باین حرف ولی فکر میکنم که این جناب آقای یارعلی خسروی از آن کارگردانهای انتخابات باشد چون نوشته این عمل قابل استفاده . باز از شاهی - مجلس مؤسسان برای رفع نواقص موجوده قانون اساسی کشور و دادن اختیارات کافی بمقامات عالی دولت بحال مملکت و ملت مفید است . اینها معلوم میشود نفهمیده اند و نوشته اند دادن اختیارات کافی بمقامات عالی دولت بعضیها نوشته اند بمقام سلطنت حالا کاری نداریم

اختیارات کافی بمقامات عالی دولت بحال مملکت و ملت مفید است . اینها معلوم میشود نفهمیده اند و نوشته اند دادن اختیارات کافی بمقامات عالی دولت بعضیها نوشته اند بمقام سلطنت حالا کاری نداریم

راجع باینهم صحبت میکنم ولی این تلگراف دیگر نوشته دادن اختیارات کافی (بمقامات عالی دولت مفید است و تشکیل آن واجب بنظر میرسد . اهالی شهرستان شاهی با بیصبری و جدیت کامل از دولت خواستارند که هر چه سریعتر نسبت بانتخاب نمایندگان مجلس مؤسسان و تشکیل سریع آن اقدام نمایند .) من نمیدانم نماینده شاهی کیست (یکی از نمایندگان - تشریف ندارند) اهالی شاهی برخلاف سایر جاها اظهار شغف نکرده اند و فقط بیصبری دارند چون یک تلگرافاتی هست که خیلی اظهار شغف و شادمانی کرده اند من اینها را بعداً برایتان میخوانم چون این تلگرافات را آقایان نخوانده اند من میدانم آقایان هیچکدامشان این تلگرافات را نخوانده اند حتی آنها هم که مال محل خودشان بوده است آقای دکتر طباطبائی تلگرافات مربوط بنائین را خوانده اید (دکتر طباطبائی - بله) مال سایر جاها را هم خوانده اید میدانم نخوانده اید چون میگوئید چرند است و میدانید که تلگرافات راجع بمجلس مؤسسان است و روزنامه ها را هم میخواندند ولی اینها را باید بخواند تا تاریخ یاد بکشد برای اینکه عبرت بگیرد من این تلگرافات را بدقت میخوانم چون توش یک اسرار کشف میشود که تا آدم نخواند نمی فهمد همه جاها اظهار شغف و شادی کردند ولی من دیدم هر چه تلگراف از شاهی رسیده فقط اظهار بی صبری کرده اند با کمال بیصبری منتظر تشکیل مجلس مؤسسان هستند اظهار شغف و شادی نکردند ، شرق نشیند بعضی جاها غرق شده اند ولی اهالی شاهی غرق نشدند بی صبری کرده اند من در اطراف این موضوع فکر میکردم و یک چیزی بنظرم رسید یک بچه کوچکی

اخبار مجلس

کمیسیونها و شعب

| | |
|-----------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------|
| کمیسیونهای پارلمانی منتخبه فروردین ۱۳۲۸ | شرح زیر جلسه خود را تشکیل داده و هیئت رئیسه کمیسیون را از اینقرار معین نمودند : |
| رئیس | آقای طامری |
| نایب رئیس | « سلطان العلماء » |
| مخبر | « سزاوار » |
| منشی | آقایان صدرزاده - نراقی |
| کمیسیون دارائی | |
| رئیس | آقای امیر نصرت اسکندری |
| نایب رئیس | « ابوالقاسم امینی » |
| مخبر | « امیر تیمور » |
| منشی | آقایان مشایخی - نوامی |
| کمیسیون راه | |
| رئیس | آقای نورالدین امامی |
| نایب رئیس | « شهابالخرسروانی » |
| مخبر | « مهندس هدایت » |
| منشی | آقایان گلبادی - اسلامی |
| کمیسیون نظام | |
| رئیس | آقای قبادیان |
| نایب رئیس | « صاحب دیوانی » |
| مخبر | « دهقان » |
| منشی | « عباسی » |
| کمیسیون کشاورزی | |
| رئیس | آقای ظفری |
| نایب رئیس | « قهرمان » |
| مخبر | « مسعود ثابتی » |
| منشی | آقایان دادور - معین زاده |

نمایندگان کشاورزان دهستان ماربین علی سهرابی حاج مهدی تهرانی ، حاج محمود خوریانی وعدهای از نمایندگان دهستان ماربین . گویا اینها در عالم مردردندی خود فهمیدند که این منویات مال یک کسی است فقط یک اشتباه کردند که خیال کردند منویات شاه است در صورتیکه نیست (در اینموقع مجلس از اکثریت افتاد)

۴ - تعطیل جلسه بعنوان تنفس

نایب رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده که جلسه را بعنوان تنفس ختم کنیم ، جلسه فردا صبح ساعت ۸ صبح تشکیل میشود . (ساعت نه و نیم بعد از ظهر جلسه بعنوان تنفس ختم و جلسه آینده بروز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۲۸ موکول گردید)
نایب رئیس مجلس شورای املی - **امیر حسین ظفر ایلخان**

است این برداشته تلگراف کرده از تهران بنام ملت ایران و می نویسد تمام افراد ملت ایران از صدور فرمان همایونی مبنی بر تشکیل مجلس مؤسسان ای نهایت سیاسیگزار و شادمان هستند زیرا چنین امری موجب رفاه عموم و پایه اصلاحات لازم در تمام امور کشور است و باین مناسبت صریحاً عرضه می کند اگر تأخیری یا قصوری در انجام امر حاصل شود . تهدید هم کرده آقای ساعد توجه بفرمایند این تهدیدتان کرده میگوید اگر تأخیر یا قصوری در انجام امر حاصل شود ایستادگی کرده انجام تسریع امر را مهرا نه استدعا خواهم نمود امضاء حاج عباس حیدر محمد آبادی ، حالا جناب آقای وزیر کشور تعقیب بفرمایند که این جناب آقای حیدر محمد آبادی از کجا قیوم ملت ایران شده که اینجور از طرف ملت ایران شکر می کند و اینجور تهدید میکند آقای حاذقی این هم سفر شما بود ؟ (حاذقی - ملت ایران از حرف های شما متنفر است) من نماینده ملت ایران هستم و افتخار میکنم بروید توی کوچه ها به بیند که این حرفهای مرا چه جور تلقی میکنند من نمیدانم چه سری است که وقتی بشما میگویم حاج آقای را همه میزند بخنده اینرا هم نفهمیده ام (حاذقی - برای اینکه میدانند عقیده و ایمان بخدا ندارند و این جور بظاهر مذهب بی احترامی میکنند) چه بی احترامی ؟ آخر بسا برین هم میگویند کسی نمی خندد ولی بشما که میگویم میخندند آقایان نخندید (عباس مسعودی - این حاج عباس را من میشناسم و یکی از مجتهدین و معتمدین چهارراه عباسی است چهارراه عباسی هم بنام همین مرد است و مرد بسیار شریفی است) قبول دارم ولی از طرف ملت ایران چه و کالتی دارد من که توهین نکردم فقط سؤال میکنم که چه و کالتی از طرف تمام افراد ملت ایران دارند . بسیار خوب مرد خوبی است من قبول دارم جناب عالی هم مرد خوبی هستید ولی حق ندارید که از طرف ملت ایران حرف بزنید (امامی اهری - این استضاح از حاج عباس است اینطور من میفهمم) اما این اصفهانها خیلی مرد رندند (دکتر راجی - آقای نیک بی ۱۰۹) من که توهین نمیکنم میگویم اصفهانها باهوش هستند . نظر باینکه بعضی از مواد قانون اساسی باوضع کنونی کشور و بانویات شخص شخیص اعلیحضرت همایون شاهنشاهی وفق ندارد جامعه کشاورزان استان استدعا دارند مقرر فرمائید هرچه زودتر مجلس مؤسسان تشکیل ، این بعد از آنست که دستور تشکیل صادر شده این تاریخ چایش ۱۲ اسفند است ، هرچه زودتر مجلس مؤسسان تشکیل و در اصلاح بعضی از مواد قانون اساسی مخصوصاً موادی که متضمن محدودیت اختیارات اعلیحضرت همایونی است اقدام فوری بعمل آورند

در خانه داشتیم و تکیه من میخواستم از پیش کنم دستم را این جوری میکردم که بزمنش ولی نمیزدم این یک حالت عصبانی درش تولید میشد که حالا آقای دکتر راجی باید توضیح علمیش را بدهند میگفت بزن بزن میخواست زودتر بزنم که راحت بشود من برای شوخی تهدید میکردم ولی او میگفت بزن بزن چون خود این تهدید بیشتر از کتک از پیش میکند و من وقتی که دیدم اهالی شاهی غرق در شادی و شمع نشده اند بیاد آن بچه کوچولو افتادم و گفتم اینها هنوز دوره بیست ساله را فراموش نکرده اند آقا گفتند مجلس مؤسسان فوری خبردار شدند که چه میشود و منتظرند که چه بلاهایی بر سرشان بیاید آنها بی صبر ندیدم بگویند هر شکنجه ای باید بشویم زود تر بشویم که الانتظار اشدمن الموت انتظار خیلی چیز بدی است یک چیز کشته ای است اینها وقتی شنیدند مجلس مؤسسان بیصبر شدند چون فراموش نکنید که در مازندران قدمهای بزرگی برداشته باشند چکس تردید ندارد چنانکه رسم همه دیکتاتور های دنیا است ولی مردم مازندران شکنجه هائی کشیدند از دست بعضی رؤسای املاک و بدون اطلاع اعلیحضرت فقید من اینها را بخاطر دارم آقایان وقتی که میگویم در باران متعلق و منرضین چایلوس من اینها را بخاطر دارم روح اعلیحضرت فقید از این جنایات و فجایع خبردار نبود و آن مرد شریف پیش خیال خودش بمملکت خدمت هم میکرد و خدمت هم میکرد ولی همان خیانتکاران و جنایت پیشه ها بودند که آن فجایع را در مازندران میکردند و یک عده از نظائر آنها دوران شاهنشاه بزرگ وطن پرست را میگرفتند و میگفتند خاطر مبارک آسوده باشد آنها بچه های زن ها را سقط میکردند پدر مردم را در میآوردند و خانه های روستائی میساختند که ما همه دیده ایم و میدانیم که در حدود دو هزار تومان مصالح بکار میبردند آنوقت برای خود شیرینی اینها را صد تومان بحساب املاک اختصاصی میگذاشتند چرا ؟ برای اینکه مصالح را بزور میگرفتند عمله اش را بیسگاری میگرفتند و من خودم خانواده هائی را میشناسم که در نتیجه مظالم آن جنایت کاران نابود شدند و فهمیدم که چرا اهالی شاهی غرق در شمع و شادی نشدند چون تا گفتند مجلس مؤسسان اینها یادشان آمد باینجهت غرق نشدند اسمی این اهالی شاهی را یادداشت کنید از شان توضیح بخواهید که چرا اینها غرق در شادی نشدند باید غرق در شادی بشوند (خنده نمایندگان) بعد دیدیم که ملت ایران یک قیم هم پیدا کرده غیر از این چیزها بموازات آن چیزهائی که وارد میشود ملت ایران یک قیم هم پیدا کرده که در ایران هم هست ترسید در دستگاه دولتی نیست این قیم اسمش حاجی عباس حیدر محمد آبادی